

تشکیلات عسکری افغانستان

در قرن نوزدهم

اعلیحضرت امیر دوست محمد خان ملقب به "امیر کبیر" مؤسس دودمان شاهی محمدزایی افغانستانست که پدرش سردار پاینده خان بن حاجی جمال خان از بزرگترین رجال دربار سدوزایی بوده، و حاجی جمال خان بارکزیایی نیز از جمله مشاهیر سرداران افغان بود، که در جرگه ملی "شیرسرخ" قندهار بسال ۱۱۶۰ هـ در انتخاب اعلیحضرت احمدشاه بابا به سلطنت افغانی شمول داشت، و این خانواده، بزرگترین کانون نفوذ و نیرو در قندهار شمرده می شد، و وزیر فتح خان برادر بزرگ امیر کبیر شخصی بود، که مقام وزارت احفاد احمدشاه بابا را داشت، و نخستین مرد مقتدر و جنگی و فاتح عصر خویش بود.

در حدود ۱۲۵۰ هـ اداره کشور از مرزهای غربی هرات تا کشمیر و سند و از آمویه تا سواحل بحیره عرب در دست برادران وزیر فتح خان

بود، که از آن جمله سردار دوست محمد خان در سنه ۱۲۵۲ هـ ۱۸۳۶ م بر تخت کابل جلوس کرد و تا سال ۱۲۷۸ هـ ۱۸۶۳ م که سال وفات اوست، سر تا سر افغانستانرا بدور یک مرکز باز فراهم آورد، و هرات و قندهار و ولایات شمالی و جنوبی و شرقی را بمرکز کابل مکرراً وصل کرد.

از کارهای مهمی که امیر کبیر در عصر سلطنت خوش در افغانستان انجام داد، تشکیلات عسکری بود، که بار اول لشکری را بر اصول عصری ترتیب داد و قراریکه موهن لال در کتاب زندگانی امیر دوست محمد خان شرح داده، عبدالله خان نو مسلم که قبلاً مستر کیمپیل نامداشت (۱)، و انگلیسی بود که در جنگ قندهار اسیر شده و اسلام را قبول کرده بود، اصول جدید نظامی و تمرینات عسکری را به لشکر امیر تعلیم میداد، و همچنان داکتر ارلان امریکایی که از دربار رنجیت سنگه بخدمت امیر پیوسته بود، و نایب عبدالصمد خان در تشکیلات جدید لشکری امیر کبیر خدمت میکردند. چون در تواریخ افغانی تاکنون صورت مفصل این تشکیلات نشر نشده، و کتاب افغانستان در قرن نوزدهم نیز در (ص ۱۴۹) شرحی ازین تشکیلات ندارد، بنا برین ما تفصیل آنرا از کتاب افغانستان که انگلس هملتون عضو جمعیت جغرافیایی شاهی لندن نوشته، و در سنه ۱۹۰۶ م در لندن مصور طبع شده و راجع بافغانستان معلومات بسیار مفصل و مغتنمی دارد می آوریم:

تشکیلات عسکری امیر کبیر

۱. در کابل: دو غنند پیاده باهژده توپ صحرا و دو توپ

سنگین و یک مورتز یعنی زنبورک.

۲. در بلخ : سه غند پیاده و دو توغند سواری با شانزده توپ صحرا.
 ۳. در بامیان : یک غند پیاده با دو توپ جبل.
 ۴. در کوهستان : یک غند پیاده با دو توپ صحرا و دو توپ جبل.
 ۵. در فراه : یک غند پیاده و چهار توپ صحرا.
 ۶. در گرشک : یک غند پیاده و چهار توپ صحرا.
 ۷. در غزنی : یک غند پیاده و چهار توپ صحرا.
 ۸. در آقچه : یک غند پیاده و دو توپ صحرا.
 ۹. در کلات : غلزی یک غند پیاده با سه توپ جبل و یک توپ صحرا.
 ۱۰. در قندهار : سه غند پیاده و یک غند سوار با دو توپ ثقیل و دو توپ جبل و ۱۲ توپ صحرا.
 ۱۱. در زمینداور : یک غند پیاده با چهار توپ صحرا. (۲)
- با اینطور در اوایل دوره شاهى امیر دوست محمد خان افغانستان یازده مرکز عسکری داشت، و هر غند پیاده (۸۰۰) نفر بود، که در تمرینات روزمره (۶۰۰) نفر حاضر شده میتوانستند. اما هر غند سوار عبارت بود از (۳۰۰) نفر. ولی در اواسط دوره او تمام عسکر منظم عبارت بود از :
- ۱۶ _ غند پیاده، هر غند (۸۰۰) نفر _ جمله (۱۲۸۰۰) نفر.
 - ۳ _ غند سوار، هر غند (۳۰۰) نفر _ جمله (۹۰۰) نفر، و ۶۷ توپ صحرا، ۶ توپ جبل، ۴ توپ ثقیل، یک مورتو، که جمع تمام عسکر منظم (۱۳۷۰۰) نفر با (۸۱) توپ باشد. (۳)

در همین کتاب گوید که در عصر امیر کبیر عساکر ایلجاری که در اوقات ضرورت فراهم می آمدند عبارت بودند از :

در کابل : ۳۱۰۰۰ نفر

در قندهار : ۱۸۰۰۰ نفر

در هرات : ۲۲۰۰۰ نفر

در بلخ : ۲۹۰۰۰ نفر

تشکیلات عسکری امیر شیرعلی خان

اعلیحضرت امیر شیرعلی خان به تنظیم عسکر توجه فراوانی داشت و چنانچه میدانیم، بار اول کتب عسکری بزبان فارسی و پنتو از انگلیسی بوسیله قاضی عبدالقادر خان ترجمه و در کابل طبع شده، و اصطلاحات نظامی به پنتو ترجمه و تطبیق گردید، که تاکنون هم موجود است.

اینک راپور مفصل تشکیلات عسکری امیر، که در ضمیمه اول کتاب افغانستان طبع و از راپور رسمی نمبر ۲۱ مورخه ۱۴ اپریل ۱۸۷۲ م ماخوذ است :

(۱) در کابل :

۱۴ غند پیاد فی غند (۶۰۰) نفر جمله ۸۴۰۰ نفر

یک دسته سوار خاص شاهی جمله ۱۵۰ نفر

دو بطری فیلی هر بطری ۷۰ نفر جمله ۱۴۰ نفر

شش دسته توپخانه اسپی فی دسته ۱۵۰ نفر * ۹۰۰ نفر

شش توپخان قاطری کوهی فی ۷۰ نفر // ۴۲۰ نفر

جمله ۱۰۰۱۰ نفر

(۲) در جلال آباد :

۳	غند پیاده فی غند (۶۰۰) نفر	جمله	۱۸۰۰ نفر
۲	غند سوار فی غند (۶۰۰) نفر	//	۱۲۰۰ نفر
۱	دسته توپخانه اسپ فی ۱۵۰ نفر	//	۱۵۰ نفر
۱.	بطری کوهی قاطری	//	۷۰ نفر
		جمله	۳۲۲۰ نفر

(۳) در شیر پور کابل :

۵	غند پیاده فی غند (۶۰۰) نفر	جمله	۳۰۰۰ نفر
۱	دسته توپخانه اسپ	//	۱۵۰ نفر
۱	بطری کوهی قاطری	//	۷۰ نفر
		جمله	۳۲۲۰ نفر

(۴) در قندهار :

۴	غند پیاده فی غند (۶۰۰) نفر	جمله	۲۴۰۰ نفر
۶	غند سوار فی غند (۶۰۰) نفر	//	۳۶۰۰ نفر
۲	دسته توپخانه اسپ فی ۱۵۰ نفر	//	۳۰۰ نفر
۱	بطری قاطری کوهی	//	۷۰ نفر
		جمله	۶۳۷۰ نفر

(۵) در کرم (پختیا) :

۳	غند پیاده فی (۶۰۰) نفر	جمله	۱۸۰۰ نفر
۲	غند سوار	//	۹۵۰ نفر
۲	دسته توپخانه اسپ فی (۱۵۰) نفر	//	۳۰۰ نفر
۲	بطری کوهی قاطری فی ۷۰ نفر	//	۱۴۰ نفر
		جمله	۳۱۹۰ نفر

(۶) در هرات :

۱۷	غند پیاده فی (۶۰۰) نفر	جمله	۱۰۲۰۰ نفر
۴	دسته توپخانه اسپ فی (۱۵۰) نفر	//	۶۰۰ نفر
۲	بطری قاطری کوهی فی (۷۰) نفر	//	۱۴۰ نفر
۴	بطری گاوی فی (۷۰) نفر	//	۲۸۰ نفر
		جمله	۱۱۲۲۰ نفر

(۷) در میمنه :

۴	غند پیاده فی (۶۰۰) نفر	جمله	۲۴۰۰ نفر
۲	دسته توپخانه اسپ فی (۱۵۰) نفر	//	۳۰۰ نفر
۱	بطری قاطری کوهی فی (۷۰) نفر	//	۷۰ نفر
۱	بطری گاوی	//	۷۰ نفر
		جمله	۲۸۴۰ نفر

(۸) در بلخ :

۱۲	غند پیاده فی (۶۰۰) نفر	جمله	۷۲۰۰ نفر
۶	غند سوار فی (۶۰۰) نفر	//	۳۶۰۰ نفر
۴	دسته توپخانه اسپ فی (۱۵۰) نفر	//	۶۰۰ نفر
۴	بطری قاطری کوهی فی (۷۰) نفر	//	۲۸۰ نفر
۲	بطری گاوی فی (۷۰) نفر	//	۱۴۰ نفر
		جمله	۱۱۸۲۰ نفر

باینطور در هشت مرکز نظامی سه صنف عسکر به تعداد ذیل بودند :

۶۲	غند پیاده فی (۶۰۰) نفر	جمله	۳۷۲۰۰ نفر
۱۶	غند سوار فی (۶۰۰) نفر	//	۹۶۰۰ نفر
		توپخانه فیلی و اسپ و قاطری و گاوی //	۵۱۹۰ نفر

که عدد تمام عساکر منظم تحت السلاح افغانستان در سال ۱۸۷۲ م عبارت بود از : ۵۱۹۹۰ نفر _ اما در عین همین اوقات لشکر عظیم منظم ایلجاری نیز وجود داشت، که عدد پیاده غیر منظم هشت هزار نفر و سوار غیر منظم شانزده هزار نفر و تمام ایلجاری ۲۴ هزار نفر باشد.

اما تمام لشکر منظم و غیر منظم چنین است :

منظم	۵۱۹۹۰ نفر
غیر منظم	۲۴۰۰۰ نفر
جمله عسکر	۷۵۹۹۰ نفر

اما انواع اسلحه عسکری درینوقت عبارت بود از : تفنگهای انگلیسی و افغانی و توپهای انگلیسی و افغانی، که فرقه مشر چمبرلین راپور آنرا چنین داده بود :

لشکر منظم افغانی (۴۰۸۲۵) تفنگ ساخت انگلیسی و افغانی و (۳۶۹) توپ مختلف النوع انگلیسی و افغانی داشت، و حکومت انگلیس تا مارچ ۱۸۷۷ م به تعداد ۲۹ هزار تفنگ میزل لودتنگ و پنج هزار تفنگ بریج لودتنگ سنیدر به امیر شیر علی خان اهداء کرده بود. (۴)

تشکیلات عسکری امیر عبدالرحمن خان

امیر عبدالرحمن خان در سال اول جلوس خود ۱۲۹۷ هـ عساکر

ذیل را ترتیب داد :

- | | |
|------------------|-------------------|
| ۱. سوار منظم | ۹۷۵۰ نفر |
| ۲. پیاده | ۳۰۸۹۰ نفر |
| ۳. توپچی | ۱۶۰۰ (با ۱۸۲ توپ) |
| ۴. پیاده قبیلولی | ۹۰۰۰ نفر |
| ۵. سوار قبیلولی | ۷۵۰۰ نفر |

بدین حساب تمام لشکر امیر در حدود (۱۳۰۰ قمری) عبارت از : ۵۸۷۴۰ نفر بود، ولی بعد از استقرار سلطنت در کابل و قندهار و بلخ و جلال آباد و اسمار و سرحدات شمالی و غربی و شرقی و جنوبی مملکت عساکر منظم و ایلجاری ذیل داشت :

- | | | |
|---------------------------------------|------|-----------|
| ۸۰ غند پیاده، هر غند (۷۰۰) نفر | جمله | ۵۶۰۰۰ نفر |
| ۴۰ غند سوار، هر غند (۴۰۰) نفر | // | ۱۶۰۰۰ نفر |
| ۱۰۰ بطری فی (۱۰۰) نفری با ۶ توپ | // | ۱۰۰۰۰ نفر |
| پیاده خاصه شاهی ۴ غند، هر غند هزاری | | ۴۰۰۰ نفر |
| سوار خاصه شاهی ۳ غند هر غند (۸۰۰) نفر | // | ۲۴۰۰ نفر |
| قوای اضافی پلیس | // | ۳۰۰۰۰ نفر |

پوهاند حبيبي	تشکيلات عسکري افغانستان در قرن نوزدهم
۲۰۰۰۰ نفر	// ایلجاری پیاده
۱۰۰۰۰ نفر	// ایلجاری سوار

باینطور مجموع قوای مسلح افغانی در اواسط عصر ضیایی به تعداد (۱۴۸۴۰۰) نفر رسیده بود. (۵)

ماخذ

۱. مستر کیمپبل CAMPBELL که در تاریخ افغانستان به کیول مشهور است در سنه ۱۸۳۳ م با شاه شجاع از دلودیانه به طرف قندهار حرکت کرد، و در جنگ قندهار (۱۲۴۹ هـ) دوتالیون لشکر شاه شجاع را در مقابل ۱۲ هزار لشکر سردار دوست محمد خان که سپه دار آن سردار اکبر خان بود قیادت میکرد، که بعد از شکست شاه شجاع در جنگ زخمی شد، و بدست لشکریان مقابل اسیر افتاد، ولی کیول بعد ازین در کابل به افسری توپخانه امیر رسید و ۴۰۰ روپیه ماهوار معاش داشت، (روزنامه سفر غزنی و کابل صفحه ۳۸۸ طبع لندن ۱۸۴۰ م و رویداد لشکر کشی بر افغانستان از آتکنسن ص ۵۴ طبع لندن) نام اسلامی کیول بقول موهن لال در اوایل قبول اسلام عبدالله خان بود، ولی بشهادت امیر عبدالرحمن خان که در خوردی علم جراحی و تفنگ سازی را ازین مرد آموخته بود، در سنه ۱۲۶۸ هـ در تخته پل ولایت بلخ بنام شیرمحمد خان جرنیل ۱۵ هزار لشکر شهزاده محمدافضل خان در صفحات شمال افغانستان بود، که در حدود ۱۲۷۵ هـ در تخته پل از جهان رفت، و بعد از قیادت تمام لشکر سی هزاری محمد افضل خان به پسرنو بالغش عبدالرحمن خان سپرده شده بود (پندنامه دنیا و دین امیر عبدالرحمن خان ص ۴ تا ۷).
۲. این تشکیلات به اوایل امارت امیر کبیر تعلق دارد، که تمام افغانستان هنوز در تحت حکم او نبود، و هرات در سال وفاتش بمركز پیوست، و ولایات دیگر نیز پسانتر فتح شدند.
۳. افغانستان، هملتون، ۳۱۲ طبع لندن ۱۹۰۶ م.
۴. افغانستان ۶۳۲ تا ۶۵۳.
۵. Afghanistan By Angus Hamilton London, 1906 P. 132
۶. مجله آریانا، سال ۱۳۴۴، شماره ۱۱ و ۱۲، ص از ۵۷۱ تا ۵۷۸.